



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

برای حس سامعه کمک طلبید ولی نکته قضیه در این بود که با سوء تشکیل اعصاب گوش سوء تشکیلی هم در کام و زبان و دهانش مشاهده میشد بطوریکه فضای دهن و حرکت زبان پاره ای صداها را تولید نمینمود و شاید اگر پزشک گوش و حلق و بینی او را امتحان میکرد سوء تشکیل های تشریحی و وجود غده های زیادی در عقب بجرای قلبی تشخیص میداد .

گذشته از عیبهای فوق نوعی کم هوشی و کندی ذهن و سستی حافظه در او دیده میشد که کاملاً او را از دانش آموزان همسالش ممتاز میکرد . خلاصه اینکه تشکیلات عصبی و دماغیش بنظر کالبد شناسی و فیزولوژی طبیعی نبود .

گذشته از مشاهده فوق قضیه ای که برای خود نگارنده در روز کار تحصیلی رخ داده برای توضیح مطلب نمونه دیگری مییاشد بنا بر این بدکر آن پرداخته میشود .

در سال هزار و سیصد و دو وارد دوره دوم متوسطه شدم آن زمان دوره کامل متوسطه منحصر بدار الفنون بود و پیش از آن در کلاسهای کم جمعیت دبیرستانهای دیگر تحصیل میکردم و بهیچوجه در خود عیبی حس نمیکردم . وقتی بکلاس وسیع دار الفنون وارد شدم اتفاقاً در انتهای کلاس و دور از تخته سیاه نشسته بودم . در این موقع متوجه شدم که خطوط تخته سیاه را نمیتوانم بخوانم اتفاقاً روز بعد نزدیکتر نشستم . باز هم نتوانستم . البته در این مدت بدرک بیانات دبیران توفیق نیافته نتوانسته بودم درسها را چنانکه باید یاد گیرم . در آن روز از رفیق مجاور خود عینکی عاریه گرفته بچشم زدم آنوقت دیدم تخته را بهتر تشخیص میدهم و فهمیدم که من نزدیک بین بوده ام و باید عینک داشته باشم و از آن به بعد دیگر آسوده شدم .

همین دو مثال ساده کاملاً بما میفهماند که نمیتوان کامیاب نشدن دانش آموزان را در آزمایشها تنها مربوط به کم کاری و یا تنبلی دانست . این است که باید آموزگاران خصوصاً و دبیران و دبیرستانها کاملاً از اسرار عدم موفقیت دانش آموزان آگاه بوده بی جهت آنان را محکوم بتنبلی نمایند و فشارهای بی مورد برایشان وارد نکنند که بسا میشود منجر بنقصان طفل میگردد و نتیجه مطلوب بدست نیاید .

پیش از شروع در بحث نتیجه ایرا که باید در آخر آورده شود همین جا یاد آوری میکنم: همکاری خانواده و آموزشگاه از جمله اصول نخستین پرورش و آموزش است. اما خانواده و آموزشگاه بموجب مطالب آینه باید در نظر داشته باشند که مشاور آنها در پرورش کودکان پزشک و اداره بهداشتی آموزشگاههاست.

هر چند جمله بالا را نتیجه نام نهادم اما اصل مدعای ما میباشد و اکنون بشرح علل تنبلی که قهراً شامل ادله این مدعاست پرداخته میشود. با تصدیق باین اصل که انسان ترکیبی از جسم و روح هست میتواند قبول کرد که تنبلیها بر دو دسته روحی و جسمی تقسیم میشوند ولی با ملاحظه مطالب آینه معلوم خواهد شد که این تقسیم بیشتر جنبه قراردادی دارد و عملاً مشکل است بتوان این دو دسته را از یکدیگر جدا نمود.

۱- تنبلیهای جسمی: بسیاری از سوء تشکیلاتهای کالبدی (تشریحی) بدو دلیل در چگونگی عمل دانش آموز مؤثر میباشد:

نخست آنکه قوای دماغی و فکری یا روحی از انقلابهایی که در کالبد انسانی حاصل شود متأثر میگردند چنانکه بسیاری از اعمال فکری و ارادی و حتی احساسات از مشاهده اوضاع و احوال محسوس خارجی نتیجه میگردند. گذشته از این بسیاری از سوء خلقها ناشی از تأثرات جسمی و ناخوشیهاست و مخصوصاً معایبی که در ترشح غدد داخلی بدن پیدا شود از قبیل ورم غده صنوبری مغز و ضمائم آن یا زیاد شدن مایع مغزی و نخاعی یا تولید غدههای زائندی در عقب بینی کم و بیش در طرز نمو قوای فکری و حتی جزئیات آن دخالت میکند و بسیاری از اطفال بلید و کند ذهن دارای معایبی نظیر آنچه ذکر شد میباشند، شاید نقصان انواع ویتامینها که اخیراً در موضوع آنها تحقیقات شروع شده نیز در طرز عمل قوای روحی مؤثر باشد.

گذشته از سوء تشکیلاتهای کالبدی که ممکن است در اثر سیفلیس ارثی یا الکلی بودن پدر و مادر یا سایر ناخوشیهای ارثی عارض شود و موجب اختلال قوای دماغی را با ضعف و شدتهای مختلف فراهم نماید، ناخوشیهای عارض بر بچه از وقتی که در شکم مادر بوده تا زمان نوزادی و شیرخوارگی و سن هفت سالگی که با آموزشگاه سپرده میشود همگی در هوش و حافظه و قریحه او مؤثر میباشد و همچنین طرز خوابیدن و طول مدت خواب

و طرز تنفس و نوع غذا و بالاخره طرز زندگی در داخل و خارج دبستان عواملی برای تغییر حالت روحی کودک میباشد. برای اثبات این مدعی يك مثال ساده کفایت خواهد کرد. معمول زندگی عادی مردم در این کشور این است که شبهای زمستان زیر کرسی بخوابند و گذشته از آنکه خوابیدن روی زمین بواسطه سنگینی بخار انیدرید کربنیک که محصول تنفس خود شخص است باعث میگردد که هوای تنفسی در وقت خواب دارای مقدار زیادی بخار مذکور باشد، زیر کرسی بخار اکسید کربن که بمراتب از انیدرید کربنیک زهری تر است تشکیل میگردد و این موضوع باعث میشود که موقع صبح طفل مبتلا بدردر جزئی و بهمان نسبت ظرفیت دماغیش کاسته شده باشد و این حال تا مقداری از روز یعنی تا زمانی که تأثیر بخارهای نامبرده بر طرف نشده دوام دارد.

با در نظر داشتن مقدمه بالا و اینکه بر حسب عادت در برنامه آموزشگاهها دروس مشکل مانند ریاضی را در ساعتهای اول روز قرار میدهند میتوان استنباط کرد که اگر طفلی بواسطه مسمومیت مختصر شبانه یا سوء تغذیه یا علل دیگر مزاجی نتواند بیان آموزگار را فرا گیرد و تکلیفش را برای روز بعد تحویل دهد نباید در ردیف تنبل ها قرار گیرد و حال آنکه در عمل او را تنبل و سزاوار سرزنش و کیفر میدانند. همینطور اگر گوش طفلی ناقص باشد باز همین عیب در کار خواهد بود. خلاصه اینکه میدان سخن هنوز در این موضوع باز است و میتوان مبالغههای بیشماری ذکر کرد ولی چون تصور میشود بهمین اندازه مطلب روشن شده باشد بد ذکر نوع دوم تنبل ها یا تنبل های روحی پرداخته میشود.

۱ - تنبل های روحی - تنبل های روحی آن دسته از شاگردانند که از لحاظ ساختمان بدنی هیچ عیب و نقصی در آنها دیده نشود و با وجود این از حیث قوای روحی از کودکان همسال خودشان عقب میباشند. اطفال افسرده و بی نهایت آرام و یا اطفال پرسرو صدا و نافرمان و بازیگوش جزو این قسم میباشند.

علل تنبلی های روحی عبارت از رفتارهایی است که در محیط آموزشگاه و خانواده یا اجتماع با طفل میشود. مثلاً سوء رفتار آموزگار و تحمیل تکالیف سنگین بر طفل و تبعیض در نمره دادن و تشویق یا مجازات و اظهار محبت فوق العاده بيمورد از طرف اولیا

نسبت بطفل و توصیه برای ارتقاء طفل و وضع معاشرت افراد خانواده و طرز زندگی آنها و مشاهداتی که طفل در معابر و محیط های اجتماعی دارد و غیره همگی باعث انقلاب های روحی و فکری طفل می باشد و خوشبختانه بوسیله اندرزها و تدابیر عملی در آموزشگاه میتوان آنها را اصلاح نمود.

تمایل بیشتر دانشمندان امروز بر این است که سعی نمایند تمام اختلال های روحی و بدنی و - خلاصه آنچه که در طفل غیر طبیعی بنظر آید مربوط باختلال های تحویل و تحول غذاها در سلول ها و از نوع شیمیائی یا از غیر طبیعی بودن ترشح غدد داخلی بدن و یاسوء تشکیل کالبدی خواه بطور عارضی و خواه بطور ارثی بنمایند، بنابراین دیگر تمیزی بین تنبل های روحی و بدنی باقی نمی ماند و در عمل هم اینطور مشاهده می گردد که غالب ناخوشیهای مزمن مثل کم خونی عارض از مالار یا کرم امعاء موجب ضعف قوای فکری را فراهم مینماید و چون در اثر ضعف عمومی مزاج طفل زود خسته میشود از پیروی همسالان خود در کلاس عقب می ماند. بهمین مناسبت نباید هرگز تدابیر آموزشگاهی را تنها در اصلاح عقب افتادگان کلاس مؤثر دانست بلکه باید در ضمن باصلاح حال مزاجی آنها نیز پرداخت و اگر مثلاً طفلی را که مبتلا به غده های عقب بینی است و تنفسش خوب انجام نمیگیرد و بهمین دلیل از تعقیب کار درس زود خسته میشود بزور اندرز و پند یا مجازات و تکالیف زیاد (۳۰ بار درست را بنویس - سیصد سطر فلان شعر را بنویس - ۲۰ مسئله حساب حل کن و غیره) نمیتوان او را اصلاح نمود. این کار غیر عملی و بلکه محال است زیرا اول باید عرابه را سبک کرد و بعد اسب را بلند نمود.

از مطالب گذشته دو نتیجه بدست می آید: پزشک و اداره بهداشتی فرهنگی باید در پرورش جسمی و روحی شاگردان با آموزشگاه کمک نماید و بازرسی منظم جسمانی دانش آموزان را بر عهده گیرد. این بازرسی در کمترین حد باید تناسب اندام و سر و سینه (ضرب پیکنه) و علائم غیر طبیعی که در کالبد شاگرد ملاحظه میشود در نظر گرفته آنها را در کتابچه مخصوص ضبط نماید و برای امراضی که ضمن تحصیل بشاگردان عارض میشود پرونده ای تشکیلی داده خلاصه نظریات حاصل شده را که مربوط

با استعداد شاگردانست در ستون ملاحظات کتابچه قید نماید و در موقع اداره آموزشگاه را آگاهی دهد.

نتیجه بازرسی منظم بهداشتی و تشکیل پرونده بهداشتی این خواهد شد که عده‌ای از نوآموزان بطرق عادی قابل اصلاح و عده‌ای دیگر غیر قابل اصلاح تشخیص داده میشوند و این عده را باید از دسته اول جدا نموده برای آنها آموزشگاه مخصوص ترتیب داد که جامع شرائط بهداشتی بوده در عین حال طبق برنامه مخصوص آنها را روحاً و جسماً پرورش داد.

نتیجه دوم در حقیقت از نتیجه اول حاصل میشود و آن این است که میزان قابل اصلاح بودن شاگردان را نمیتوان بطور قانونی معین نمود و معلوم کرد که تمام شاگردان برنامه معینی را مثلاً در ظرف یک یا دو سال باید یاد بگیرند و اگر از این حد تجاوز نماید شاگرد محکوم باخراج از همه آموزشگاهها بوده دیگر نمیتواند از عهده آموختن بر آید. این است آنچه فعلاً میتوان در موضوع اهمیت بازرسی نوآموزان از نظر بهداشت میان نمود و گذشته از اینها میزان کار هر آموزشگاه باید بر همین اصل متکی گردد. یعنی هر آموزشگاهی که اطفال را روحاً و جسماً بهتر پرورش دهد باید بیشتر مورد قدردانی واقع شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 زبان و علوم انسانی

زبان عربی در آموزشگاههای فرانسه

وزارت فرهنگ فرانسه در نتیجه پیشنهاد کمیته عالی کارهای مدیرانه در سال تحصیلی جاری تصویب نموده که زبان عربی را در برخی از لیله های کشور فرانسه مانند زبان دوم تدریس کنند. اکنون در ایسه «لوتی لوگران» یادیس و ایسه «پریه» ماری این تصمیم عملی شده است. علاوه بر تاثیر تحصیل زبان عربی در امتحان نهائی با کالورتا و لیسانس در مسابقه ورود با آموزشگاه های عالی مانند «سن سیر» نیز ارزش علمی خواهد داشت. اتخاذ این تصمیم نتیجه لزوم همکاری و ارتباط نزدیکی است که در بین فرانسه و کشورهای افریقای شمالی (الجزائر - مراکش - تونس) احساس میشود. «انتباس از تان»